

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ابوالقاسم گلستانی
۲۵ دسمبر ۲۰۱۸

سخنی با هموطنان کُرد



به دنبال تصمیم اخیر دولت دونالد ترامپ مبنی بر خروج نیروهای مسلح این کشور از سوریه، اظهار نظرهای حیرت انگیزی از سوی نمایندگان کرد سوریه صورت گرفت. به طور نمونه، رهبران "نیروهای دمکراتیک سوریه" که حزب اصلی کردهای مخالف در این کشور محسوب می شود، خروج ارتش امریکا از سوریه را "اشتباه تاریخی" و "خیانت" به خود خوانده اند و یا، به گزارش بی بی سی، "ده ها تن از اعضای این حزب در اعتراض به این تصمیم امریکا، در برابر کاخ سفید دست به تظاهرات زدند."

بسیاری از فعالان سیاسی کرد ایرانی، ممکن است منتقدان برخاسته از "قوم فارس" را مورد سرزنش قرار دهند که چرا کردهای سوری را از دوستی با دولت واشنگتن برحذر می دارند. سیاستمدار کهنه کار هنری کسینجر، که امروزه درواقع سخنگو و وزیر خارجه دولت پنهان امریکا محسوب می شود، گفته معروفی دارد که بسیار درس آموز است:

"دشمنی با امریکا خطرناک، ولی دوستی با آن مهلک است!" به عنوان یک منتقد ناچیز، این گفته را برای نشان دادن سیمای واقعی سیاست خارجی امریکا در حالی به کردهای سوری (و نیز در ایران، عراق) یادآوری می‌کنم که آنها گویا در سیاست مرزبندی نمی‌شناسند و برای رسیدن به اهداف خود، به هر نیروی قدرتمند از جنبه نظامی و مالی که چراغ سبز به آنان نشان دهد، متوسل می‌شوند، بی آن که به پیامدهای ناشی از رفتار و عمل خود بیندیشند.

اظهارات زیر چکیده مقاله ای تحت عنوان "عقب نشینی ترمپ از سوریه [۱]" به قلم عبدل باری عطوان، روزنامه نگار فلسطینی ساکن لندن و سردبیر "رای الیوم" است، نه تحلیل امثال بنده که از سوی هموطنان عزیز گُرد به ناسیونالیسم یا شونیسم "قوم فارس" متهم می‌شوند. اصولاً به نظر نگارنده قوم فارس وجود خارجی ندارد و همه ساکنان میهن ماز جملہ کردها، "اقوام ایرانی" به شمار می‌آیند. نگارنده این سطور نیز که خود به هیچ کدام از اقوام "غیر فارس" تعلق ندارد، فارسی زبان دوم او محسوب می‌شود.

عطوان می‌گوید، "مطابق معمول، این کردها هستند که بر حمایت امریکا سرمایه گذاری کردند - کسانی که زیر پرچم امریکا علیه نیروهای سوری [هموطنان خود] و سپس علیه داعش جنگیدند و پایتخت داعش، رقه، را تصرف کردند - و حال خود را قربانی اصلی تصمیم امریکا می‌دانند. آنها بسیار چیزها برای از دست دادن دارند، درست همانند همقطاران خود در [اقلیم] کردستان عراق."

عطوان، در این مقاله که در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸ منتشر شده، در ادامه می‌گوید، "مشکل کردها به ویژه در سوریه این است که نه از تاریخ توانستند درس بگیرند و نه از تجربیات خود، و همه تخم مرغ های خود را در سبد امریکا نهادند. آنها وقتی از حمایت امریکا برخوردارند، جدائی طلب می‌شوند، اما وقتی امریکائی ها آنان را به حال خود رها می‌کنند و یا ترکیه به آنان حمله ور می‌شود، سوری می‌شوند. این اتفاق فقط یک بار رخ نداده و تازه ترین آن هفته گذشته بود، زمانی که کردها خطر حمله نیروهای ترکیه را حس کردند و وقتی دولت سوریه به درخواست کمک آنان پاسخ فوری نداد، متهم به خیانت شد - گوئی دولت دمشق هیچ دغدغه ای ندارد جز این که پیوسته گوش به زنگ درخواست های آنان بنشیند."

او همچنین گفته است که، "جای تعجب نیست که سخنگوی کردها، الهام احمد، تصمیم امریکا برای خروج از سوریه را به عنوان فرو کردن خنجر از پشت توصیف می‌کند. این خنجر آلوده به زهر بود، اما اولین نبود و آخرین بار هم نخواهد بود."

در اینجا، جا دارد که به افلاس و درماندگی برخی احزاب کردی ایرانی اشاره کنیم که این روزها بیش‌تری خود را از حد گذرانده، آشکارا اعلام می‌کنند که برای رسیدن به اهداف خود از هر امکانی استفاده می‌کنند. به طور نمونه، در "برنامه پرسمان، مصاحبه مهران عباسی درباره مکانیزم اداره ایران بعد از رژیم جمهوری اسلامی" که از تلویزیون آر.ک.ب.ت در سوئد [۲] پخش شده، جمال پورکریم، از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران، سخنان حیرت انگیزی بر زبان می‌آورد که در ادبیات سیاسی ایران بی سابقه است. او در دقیقه ۲:۳۰، می‌گوید "من به شما اطمینان می‌دهم که در صورت سقوط رژیم کنونی ایران که به اواخر عمر خود نزدیک شده، حداقل پنج کشور در ایران کنونی تأسیس خواهد شد، حداقل! چیزی به نام جغرافیای ایران به تاریخ خواهد پیوست. همچنانکه چیزی به نام ایران، یک جغرافیای جعلی قراردادی [...] وجود نخواهد داشت". (قسمت نقطه چین مربوط به چند کلمه نامفهوم است.)

در قسمت دیگر این مصاحبه دو ساعته (دقیقه ۹۷ تا ۹۹)، پورکریم می‌گوید "من مشروع می‌دانم که برای رسیدن به حق ملی ام از هر کشوری و از هر جایی کمک بخواهم. بله، من از دیکتاتورترین کشورها که دشمن مشترک با هم

داریم، کمک می گیرم؛ جمهوری اسلامی دشمن مشترک من و عربستان، دشمن مشترک من و اسرائیل است، پس کمک می گیرم از ایشان به عنوان دوست ستراتیژیک برای این که حکومت خودم را تأسیس بکنم."

از این احزاب کردی برخی به عیان از تجزیه طلبی یا استقلال خواهی سخن می گویند (از جمله همین جمال پورکریم) و برخی دیگر مدعی موجودیت و فعالیت خود در چارچوب ایران یکپارچه هستند. اما چه اعتباری برای این ادعا می توان قائل شد وقتی آنها نیز گرفتن کمک از این دولتهای ضد ایرانی را با همان منطق گروه نخست توجیه می کنند؟! آیا اینان نمی دانند که هدف شوم امثال امریکا-اسرائیل-عربستان در واقع از بین بردن موجودیت ایران است و نبرد با جمهوری اسلامی تنها یک بهانه است؟! این چه منطقی است که تاریخ هزاران ساله ایران را فدای چهل سال تاریخ جمهوری اسلامی می کند که در قیاس با اولی تنها یک لحظه به شمار می آید؟ پرسشهای متعددی وجود دارد که این احزاب کردی باید بدانها پاسخ دهند، از جمله این پرسش که، آیا هموطنان کرد تافته جدابافته ای از سایر اقوام ایرانی هستند که همانند خود آنان باید رنج ناشی از سیاست های ویرانگر اقتصادی دولت ایران از یک سو و تحریم های ضد بشری دولت امریکا از سوی دیگر را همزمان تحمل کنند؟ محدودیت های سیاسی اجتماعی به جای خود! با وجود این، گیریم که یاری جستن این احزاب کردی ایرانی از دشمنان قسم خورده میهن ما برآورده شود؛ چه تضمینی وجود دارد که همین سرنوشت تلخ کردهای سوری برای آنان نیز تکرار نشود، آن هم به کرات؟! آیا آنان می توانند به دوستی "مهلک" بادولت امریکا و نزدیک ترین متحدان آن در خاورمیانه اعتماد کنند؟!

[۱] برای دسترسی به متن کامل مقاله عبدال باری عطوان، به پیوند زیر مراجعه کنید:

<http://www.informationclearinghouse.info/50808.htm>

[۲] ویدئوی مصاحبه مربوطه، از جمله سخنان جمال پورکریم در پیوند زیر قابل دسترس است. شایان ذکر است که ویدئو را از صفحه فیسبوک تلوزیون آر.ک.ت برداشت کردم؛ متأسفانه یافتن پیوندی (لینک) که در خارج از فیسبوک وجود داشته باشد، برای من مقدور نبود.

<https://www.facebook.com/kurdtribunal/videos/982169865304905/?fref=mentions>

۲۲ دسمبر ۲۰۱۸ – اول دیماه [جدی] ۱۳۹۷